

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

یکشنبه ۲۷ اپریل ۲۰۲۵

بنیاد فیاض



بنیاد فیاض برای حقوق بشر در افغانستان  
په افغانستان کی د بشری حقونو د پاره د فیاض بنسټ

FAYAZ Foundation For Human Rights in Afghanistan

## بحران کنونی کشور، پیامد کودتای بدفرجام ۷ ثور و فاجعه ۸ ثور

یک نگاه مختصر به عملکرد و برنامه های طالبان در ساحات حقوق زن و تعلیم و تحصیل جوانان بخصوص دوشیزگان کافیت متوجه شویم که حکام فعلی افغانستان وطن و مردم ما را به بیراهه خطرناک تطبیق افکار مکتب دیوبندی هدایت میکنند. بر مبنای همین افکار مندرس این مکتب که زمانی انگلیسها در هند برتانوی آنرا برای سد کردن انکشاف کشور های اسلامی ایجاد کرده بودند، زنان که بیش از نیمی از نفوس کشور را تشکیل میدهند، از نعمت تعلیم و تحصیل و حق کار بکلی محروم گردیده و جز خانه نشینی امکان دیگری برای شان نمانده است. مضامین درسی برای مکاتب پسران جوان با مضامین درسی مدارس دینی همسان گردیده است. در واقع طالبان مصروف شستشوی مغزی میلیونها جوان و ترویج افکار دیوبندی بشکل وسیع در افغانستان اند. برای دختران محروم از حق تعلیم هم دروازه مدارس دینی که محتوی دروس آن افکار جهادی و ایدئولوژیک اسلام سیاسی میباشد، بازنگهداشته شده است. در واقع پلان طالبان اینست که همه ملت افکار همسان با طالبان داشته باشند. این هدف در مقدمه برنامه اسلامی سازی سیستم تعلیمی شان بشکل «اعمار یک ملت اسلامی متحد» تسجیل شده است. در عصر ما که جوانان سایر کشور های جهان مصروف آموزش و بکار گیری هوش مصنوعی برای تسهیل جوانب مختلف زندگی بشریت میباشد، نو باوگان افغانستان در مدارس دیوبندی با فراگیری افکار مندرس و عقبگرا مصروف نگهداشته میشوند و به زنان کشور حتی اجازه آموزشهای طبی داده نمیشود. بدینصورت طالبان آگاهانه در برابر انکشاف

کشورموانع غیر قابل عبور خلق میکنند. طالبان بحیث بخشی از اسلام سیاسی جهانی، اهداف شبیه « صدور انقلاب اسلامی» خمینی را نیز دنبال میکنند که میتواند ملت و کشور ما را در آینده درگیر جنگهای تبه کن با سائر کشور ها بسازد. طالبان طی ۲۰ سال موجودیت قوای ناتو در افغانستان، از حمایت آی.اس.آی پاکستان برخوردار بودند و هنوز هم روابط نزدیک با محافل دیوبندی پاکستان دارند و برای تمویل فعالیتهای آنها ۹ میلیون دالر از پول بیت المال افغانستان از طرف ملاهبت الله اهدا شد. پاکستان همیشه از این عمل خویش انکار میکردند. اما اخیراً خواجه آصف وزیر دفاع پاکستان در مصاحبه با سکای نیوز اعتراف کرد که «ما سه دهه است که این کار کثیف (حمایت و صدور گروه های تروریستی) را برای ایالات متحده، و غرب از جمله بریتانیا انجام میدهم». همین حکام قادر به عرضه خدمات اولیه به مردم بینوای افغانستان نیستند، برای جوانان امکانات کار را فراهم کرده نمیتوانند و رهبرشان به نیمه گرسنه جامعه میگوید «رزق و روزی را خداوند میدهد. خداوند میداند کدام بندگان تحمل بیشتر دارند و آنان را امتحان میکند». بی جهت نیست که در گزارش جهانی خوشبختی سال ۲۰۲۵ مردم افغانستان در اخیر لیست قرار دارند.

اما افغانستان تا ختم ماه حمل ۱۳۵۷ یک کشور امن، آرام و رو به ترقی بود. هیچ گرسنه ای در کشور وجود نداشت و در سال ۱۳۵۶ افغانستان از لحاظ تولید مواد غذایی متکی بخود شده بود. پروژه های بزرگ ملی تحت رهبری رئیس جمهور داود در حال تطبیق بود. البته مشکلات اقتصادی و اجتماعی و محدودیت فعالیت سیاسی وجود داشت و اما قانونیت و امنیت در افغانستان حاکم بود. علاوه بر قانون سیاسی، کود مدنی و کود جزا هم تدوین و تصویب شده بود. زنان امکانات قانونی و عملی سهمگیری در زندگی اجتماعی و سیاسی کشور را داشتند. مکاتب و پوهنتون های عصری از دوران امان الله خان به بعد در سرتاسر افغانستان برای دختران و پسران موجود بود. سوالی که در اینجا پیدا میشود اینست که بعد از حمل ۱۳۵۷ چه واقع شد که کشور ما را وارد دوران بحرانه، اختناق ها، جنگها و اشغال ها ساخت؟

صدراعظم داود خان در نیمه اول سالهای ۵۰ قرن گذشته برای تأسیس اردوی عصری که توان دفاع از سرحدات افغانستان را داشته باشد، نیازمند به قرضه درازمدت بود. امریکا درخواست او را رد کرد. اما روسها به پیروی از اهداف ستراتیژیک خود در منطقه حاضر به کمک در تجهیز اردوی شاهی افغانستان شدند و برای استعمال سلاح های جدید، پرسونل اردوی افغانستان را برای تعلیمات نظامی به کشور خویش دعوت میکردند. بخشی از این افراد در شوروی شست و شوی مغزی شده و جذب سازمان استخبارات نظامی شوروی (GRU) شده بودند. و درضمن در داخل افغانستان

کارمندان سفارت شوروی که مربوط کی.جی.بی بودند از برخی عناصر طرفدار شوروی عضو گیری کردند و توسط آنها حزب دموکراتیک خلق را بحیث ابزار شوروی برای اعمال نفوذ بردولت افغانستان تأسیس کردند تا در آینده برای اهداف ستراتیژیک خویش در افغانستان از آنها استفاده کنند. همان افسران و خورد ضابطان با وصف اینکه حلف وفاداری به افغانستان یاد کرده بودند، صرف به شوروی وفادار بودند و در داخل کشور به توصیه GRU عضو کمیته های نظامی خلق و پرچم شدند. در سال ۱۳۵۶ داود خان رئیس جمهور وقت به تأسیس روابط دوستانه با کشور های همسایه و غرب مبادرت ورزید. شوروی این حرکت داود خان را خلاف منافع ستراتیژیک خود دانست و در صدد کودتا علیه داود خان بوسیله همان نظامیان خائن به وطن و حزب دست نشانده خویش شد. این کودتای خونین و ضد ملی بتاريخ ۷ ثور ۱۳۵۷ (مطابق ۲۸ اپریل ۱۹۷۸) جامه عمل پوشید، و شیرازه ثبات سیاسی که از ۱۹۳۰ الی اپریل ۱۹۷۸ در افغانستان برقرار بود، فرو ریخت. کودتای خونبار ثور کار خود را با قتل محمد داود و فامیل اش بشمول زنان و اطفال آغاز نمود و سپس ۱۴ سال تمام به کشتار نظامیان و طندوست، کدر علمی، جوانان تحصیل کرده کشور، روحانیون، متنفذین محلی، اهل کسبه، صنعتگران، دهقانان، تاجران و هرکسی که وطن را گرامی میداشت، ادامه داد.

برعکس کودتای سفید ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ که بخاطر قرار داشتن یک شخصیت ملی و پذیرفته شده چون داود خان در رأس آن، ثبات سیاسی و امنیت را حفظ کرده بود و در بخش سازندگی و انکشاف دستاورد های مثبتی داشت.

### کودتای ننگین هفت ثور:

- یک حکومت حزبی را ایجاد کرد که رهبران آن بخاطر وابستگی ایدئولوژیک، سیاسی، اقتصادی و نظامی به شوروی نزد مردم نام نیک نداشتند و فاقد تجربه حکومتداری بودند.
- مستقیماً بعد از پیروزی از فعالین نیرو های سیاسی قبلی لیست های سیاه ساخت، آنها را دستگیر، شکنجه و لت و کوب نموده و بعد از مدتی سربه نیست کرد. این جنایات نه تنها در کابل، بلکه در تمام ولایات عملی شد. بعد از تجاوز شوروی جنایات علیه مردم محیلانه تر اما وسیع تر شد. عکس العمل مردم در برابر این سرکوب پیشگیرانه، خشم و نفرت و در عین حال ترس از خشونت و دهشتگری دولتی نظام کودتائی و روسها بود.

- قبل از اشغال شوروی نیز مشاورین روسی اداره غیرمستقیم بسیاری از وزارتخانه ها و ارگان های امنیتی و نظامی را بدست گرفتند. این وضع برگمانه زنی ها در مورد نقش روسها در کودتای بدفرجام هفت ثور صحه گذاشت.
- فرمانهای ۶، ۷، و ۸ تره کی که کاریکاتور اصلاحات اجتماعی محسوب میشدند، پاسخگوی مشکلات مردم نبود و با نسخه برداری از دول خارجی و بدون درنظرداشت آمادگی ذهنی مردم، بزور اسلحه بر مردم تطبیق میشد که خشم مردم و حتی دهقانان بی زمین را برانگیخت.
- هنوز چند ماه از عمر حکومت پوشالی نگذشته بود که حملات متقابل مردم محلات بالای عناصر دولتی آغاز شد. اردوی حزبی و خاوندی حزبی در پاسخ به این حملات تمام قریه یا منطقه را با وحشت و بربریت زیاد سرکوب میکردند. شدت سرکوب قیام مردم علیه حکومت پوشالی را وسیع تر ساخت. مردم بی پناه سرکوب شده با ترک کشور به پاکستان و ایران فرار میکردند. این حالت زمینه دست اندازی آی.اس.آی و سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران و عناصر بومی وابسته به آن سازمانهای جهنمی را در دامن زدن جنگ داخلی در افغانستان و بهره برداری سیاسی و استخباراتی از آن فراهم ساخت.
- سازمانهای اگسا، کام، خاد و واد با استفاده از پول شوروی به استخدام وسیع خبرچین ها پرداختند و اعضای حزب هم به نوبه خود اگر در محل کار و زندگی خود چیز مشکوک به ضدیت با نظام را میدیدند از طریق سازمانهای حزبی گزارش میدادند. و چون به نظر حزبی ها «شرایط انقلابی» حاکم بود، اشخاص مشکوک بدون اسناد و تحقیقات قبلی بازداشت میشدند. انگیزه اکثر راپور های خبرچین ها تصفیه حسابهای شخصی بود. بدین ترتیب اختناق بس خفقان آور در جامعه ایجاد شد و فضای ترس و وحشت بر شهر ها و حتی خانه ها حاکم شد. همشهریانی که امکانات فرار از این اختناق را پیدا میکردند، کشور را ترک میکردند.
- حد اقل ۵۰۰۰ قریه توسط بمباردمان طیارات قوای هوایی حزبی و روسی به خاک یکسان شدند. مهاجرتهای میلیونی در ۱۴ سال حاکمیت هفت ثوری ها محصول همین دهشت افگنی دولتی پرچم و خلق و حامیان روسی شان بود. در قدم اول تحصیلکرده ها و روشنفکران یا زندانی شدند یا مجبور به مهاجرت.
- کودتای ثور ۱۳۵۷ بود که با دعوت روسها به مداخله نظامی، افغانستان را در محراق جنگ سرد بین دو ابرقدرت جهان قرار داد. ایالات متحده و متحدین اش در ناتو برای شکست دادن شوروی در افغانستان از پول و اسلحه و امکانات استخباراتی خود از مجرای آی.اس.آی سرمایه گذاری

کردند. افغانستان میدان این جنگ شد و مردم بی دفاع آن حد اقل یک ونیم میلیون کشته و بیشتر از آن زخمی دادند.

- با رویکار آمدن گورباچف در اتحادشوروی، حزب کمونیست شوروی دریافت که پیروزی نظامی در افغانستان ممکن نیست و باید قوای نظامی خود را هرچه زودتر از افغانستان خارج سازد. گورباچف بحیث یک مقام کی.جی.بی، نجیب الله را بخاطر موقفش بحیث رئیس خاد، بحیث یک شید، حیلہ گر و قاتل بی رحم می شناخت، با کنار زدن ببرک کارمل وی را برای دورۀ خروج امن نظامیان شوروی و انتقال قدرت به یک حکومت مشترک پرچمی- تنظیمی در رأس حکومت پوشالی نصب کرد. بیانات ویدیوئی حیلہ گرانه نجیب الله که بخش تبلیغاتی سیاست به اصطلاح «مصلحۀ ملی» دیکته شده توسط شوروی را تشکیل میداد. اکنون از این بیانات رفقای فریبکارش در رسانه های اجتماعی برای جلب جوانان بیخبر از دستهای آغشته بخون نجیب الله استفاده میکنند. در آن بیانات نجیب الله میخواست به رهبران تنظیم ها بگوید به من اعتماد کنید، من سابق گرگ بودم اما حالا میش شده ام. اما رهبران تنظیم ها که خود منتظر مقامات پاکستان و ایران بودند، با او مذاکره نکردند.

- تنظیم های اسلامی در پاکستان و ایران با استفاده از بی ثبات شدن افغانستان توسط استخبارات این کشور ها با بکارگیری عناصر وابسته و تربیه شده توسط آی.اس. آی و سپاه قدس برای بهره گیری سیاسی و ستراتیژیک از قیام مردم افغانستان علیه حکومت پرچم وخلق و روسها ایجاد شد. هزاران مدرسه در پاکستان ساخته شد تا اطفال مهاجر افغان را شست و شوی مغزی نموده بحیث ذخائر ستراتیژیک امریکا و پاکستان در دسترس آنها باشند. سپاه قدس هم به تنظیم های وابسته بخود امکانات مالی، اسلحه، دفتر و آموزشگاه های نظامی فراهم کرد. در فضای جنگی واستخبارتی ای که کودتای منحوس ثور ۱۳۵۷ و مرحله تکاملی آن در شش جدی ۱۳۵۸ ایجاد نمود، افغانستان به میدان این جنگ خانمانسوز مبدل شد، تنظیم های اسلامی هفتگانه و هشتگانه ایجاد شدند و رشد کردند. جنایاتی که این تنظیم ها بعد از هشت ثور ۱۳۷۱ انجام داده اند، ادامه همان بحران ایست که با کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ برسر مردم ما نازل شد.

- طالبان محصول همان مدرسه هائی اند که در دهه ۸۰ قرن گذشته، زمانی که افغانستان میدان جنگ بین اتحاد شوروی و امریکا بود، در مدارس دیوبندی پاکستان تربیه و در اوایل دهه ۹۰ قرن گذشته به دستور ایالات متحده، با پول عربستان سعودی از جانب آی.اس. آی بحیث یک تنظیم ایجاد شدند تا از یک انقلاب مردمی در برابر جنایات تنظیم های جهادی و جنگ قدرت میان آنها، جلو

گیری کنند و با قبضه کردن قدرت سیاسی افغانستان کنترول اوضاع کشور در دست پاکستان و امریکا باقی بماند. پدران بخشی از طالبان دهقانان ببنوای مهاجر افغان بودند که از زیر بمب های هفت ثوری ها و روس ها به پاکستان فرار نموده و با اشتراک در جنگ علیه تجاوز شوروی شهید شده بودند. آی. اس. آی پسران شان را در مدارس جهادی پاکستان شست و شوی مغزی نموده و در خدمت اهداف ستراتیژیک خود و امریکا بکار گرفت. طالبان با جا دادن به رهبران القاعده در کشور و حاضر نشدن به تسلیم دهی بن لادن به امریکا بعد از حادثه دلخراش ۱۱ سپتمبر نیویارک، زمینه ساز حمله امریکا به افغانستان و ۲۰ سال حضور نظامی این کشور در وطن ما شدند. تنظیم های جهادی توسط امریکا و انگلیس در این دوره یکبار دیگر بر اریکه قدرت نشانده شدند. و یکبار دیگری عرضه گی سیاسی و فساد چند بعدی خود را در عمل به نمایش گذاشتند. کوشش های دولت سازی دول غربی عمدتاً به اثر سوء استفاده، دزدی از پول پروژه های عمرانی، دامن زدن به تنش های قومی و فرصت سوزی عناصر تنظیمی به ناکامی کشانده شد. اینکه امروز طالبان دوباره از اریکه قدرت به غضب حقوق و آزادی های هموطنان ما، بخصوص زنان و دختران میپردازند و سیستم تعلیم و تربیت را به قهقرا میبرند، مصیبتی است که ریشه آنرا در کودتای بد فرجام ۷ ثور ۱۳۵۷ و پیامد های نامیمون آن از جمله تراژیدی ۸ ثور ۱۳۷۱ و مداخلات بیگانگان میتوان جست و جو کرد.

«بنیاد فیاض برای حقوق بشر در افغانستان»

---

FAYAZ Foundation Registered in The Netherlands. [www.fayazfoundation.com](http://www.fayazfoundation.com), fayazfoundation@gmail.com